

موضوع:

آسیب شناسی متون آموزشی موجود در آموزش فلسفه به دانش آموزان

: نویسنده اول

سیده فاطمه زهرا میردلیر

mirdalirf@gmail .com

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران

: نویسنده دوم

دکتر فرشته ابوالحسنی نیارکی

f.abolhasani@umz.ac.ir

استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران

چکیده

در این مقاله سعی بر این شده است که به مشکلات و نقایص موجود در متون آموزشی فلسفه به دانش آموزان در مدارس بپردازیم. نواقص و مشکلاتی که باعث آسیب به روند فهم بهتر فلسفه به دانش آموزان می شود. درس فلسفه و

در کل آموزش فلسفه بر رشد مهارت‌های ارتباطی کودکان تاثیر به سزایی دارد و باید به شیوه آموزش آن توجه بیشتری داشت

در رشته انسانی در مدارس در سال یازدهم و دوازدهم دانش آموزان درسی تحت عنوان فلسفه دارند. این درس عموماً برای دانش آموزان درسی سخت و پر از مفاهیم جدید و دشوار است که اغلب دانش آموزان علاقه ای به خواندن آن ندارند؛ یکی از علت های عمده این امر دشواری متن و آشنا نبودن دانش آموزان با این گونه متن ها است

علاوه بر آن با وجود اینکه قبل از فلسفه دانش آموزان در سال دهم درسی تحت عنوان منطق دارند و تا حدودی با اصطلاحات منطقی و فلسفی و در کل شیوه این دروس آشنا می شوند بازهم آسیب در دروس فلسفه مشاهده می شود

علت دیگر که در بحث فلسفه برای دانش آموزان آسیب زاست و نمی گذارد که آنها به راحتی و بدون دغدغه به مسائل فلسفی و گشت و گذار در حوزه های آن پردازند مسئله کنکور با سوالات بسیار فراتر از کتاب و اصطلاحات دشوار تر از کتاب است که باعث گیج و گنگ شدن دانش آموزان نسبت به مفاهیم فلسفی کتاب و پیدا شدن دید منفی به این درس می شود

جدای از این مشکلات زمانی که با زبانی خودمانی و بیانی واضح مفاهیم فلسفی در کلاس عنوان می شود شاهد ایجاد انگیزه و اشتیاق برای این درس در دانش آموزان هستیم؛ بنابر این بهتر است نگرشی جدید در تدریس این درس به دانش آموزان در مدارس داشته باشیم

کلمات کلیدی: فلسفه، آموزش فلسفه، متوسطه دوم، ایران

مقدمه و بیان مسئله

کودکان هر جامعه، سرمایه‌های آن جامعه‌اند. سرمایه اگر در اختیار انسان آگاه و کاربلد باشد، افزونش می‌کند و ناشی هدرش می‌دهد. برخورد اصولی و حساب شده با استعداد کودکان باعث شکوفایی ذهن و رشد خلاقیت خواهد شد و به بالندگی جامعه خواهد انجامید. متقابلاً، رها کردن یا آموزش نادرست، زمینه ظهور نسلی خموده و وابسته را فراهم می‌سازد (اسمیت، ۱۳۸۲: ۷۲)

در جهان پیچیده امروز افراد برای برخورد منطقی با چالش‌ها، به یادگیری مهارت‌های تفکر نیازمند می‌باشند. در همین راستا برنامه آموزش فلسفه به کودکان

به عنوان یکی از ابزارهای اصلی پرورش مهارت‌های تفکر در کودکان مورد توجه قرار گرفته است. حدود 40 سال است که این برنامه در کشورهای توسعه یافته و تقریباً 10 سال است که در ایران معرفی شده و مورد توجه اندیشمندان و معلمان و افراد علاقه مند قرار گرفته است. با وجود این هنوز در نظام آموزشی ما، چه در مدارس و حتی در دانشگاه‌ها، عملاً به انباشتن حافظه تأکید می شود. با این حال به نظر می رسد اجرای این برنامه با موانع و چالش‌هایی همراه است که توجه بدانها بسیار ضروریست. (مرضیه اسدی، 1390)

در این مقاله سعی بر آن است بدلیل اهمیت موضوع یاد شده و ضرورت آموزش صحیح فلسفه اشکالات موجود آموزش فلسفه در مدارس ایران بررسی شود.

در موضوع آموزش فلسفه مقالات و پایان نامه هایی نوشته شده است و تاملاتی صورت گرفته که بیان آنها خالی از لطف نیست.

تأثیر آموزش فلسفه بر قضاوت اخلاقی و تفکر انتقادی نوجوانان 10-16 سال شهر شیراز توسط ندا قشقایی محمودی در سال 1395 انجام شده است.

مرضیه ویسی درباره ویژگی های مربی آموزش فلسفه در سال 1394 تحقیقی انجام داده است.

بررسی میزان تأثیر آموزش فلسفه به نوجوانان بر پرورش مهارت‌های استدلال و خلاقیت دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر ایلام توسط صمیره موحدی در سال 1399 انجام شده است.

نقش آموزش فلسفه به شیوهی داستان‌های فلسفی بر میزان یادگیری و رشد تفکر انتقادی دانش آموزان متوسطه منطقه ماهی‌دشت توسط نعمت پرویش در سال 1392 انجام شده است.

اینها بخصوص درباره آموزش فلسفه به نوجوانان صحبت کرده اند.

البته که آموزش در سنین کودکی بسیار تاثیرگذار تر است و درباره آن هم تحقیقات بیشتری صورت گرفته اما موضوعی که در این مقاله به آن می پردازیم در خصوص آموزش فلسفه در مدارس ایران است که در مقطع متوسطه و نه برای همه دانش آموزان بلکه برای رشته انسانی صورت می گیرد که این خود یکی از نقص ها در این زمینه است. اهمیت آموزش فلسفه در رشد شناختی و مهارتی دانش آموزان به قدری است که باید آن را در محتوای درسی مدارس ابتدایی بگنجانند.

فلسفه در معنای فلسفه‌ورزی و پرسیدن سؤالات اساسی درباره ماهیت چیزها، می‌تواند به کودکان کمک کند تا ابعاد مختلف زندگی خود را ارزیابی و داوری کنند. درواقع از طریق فلسفه‌ورزی، کودکان ابعاد زندگی خود را تشخیص می‌دهند و

گزینه‌های مختلفی را که با آن‌ها مواجه‌اند، شناسایی می‌کنند. بسیاری از اندیشمندان این عرصه بر این عقیده‌اند که فلسفه برای کودکان برنامه‌ای برای افزایش مهارت تفکر نقاد و خلاق در درک مسائل فلسفی نزد کودکان است (شریفی اسدی، ۱۳۸۸: ۹۸)

در «فلسفه برای کودکان»، فلسفه، کودکان را با مهارت‌های فهم، مانند استدلال، قضاوت صحیح، و کسب مهارت تعامل اجتماعی از راه تحلیل مفاهیم زبان عادی برای حل مسائل زندگی روزمره آشنا می‌سازد. این برنامه در پی جریانی است که پرسیدن و به عبارت دیگر، فلسفیدن را به کودکان آموزش دهد (لیپمن، ۱۳۸۸: ۱۵۲)

در زمینه آموزش فلسفه باید حتماً به این نکته توجه داشت که اگر بتوان فلسفه را در مفهومی فراتر از فلسفه خواندن و یا فراتر از مکاتب و نظام‌های فلسفی مورد توجه قرار داد، آنچه در فلسفه برای کودکان اولویت دارد، فلسفیدن به معنای تجربه فلسفی است.

چگونه می‌توان کودکان را در تجربه‌های فلسفی مشارکت داد؟ تفکر انتقادی و خلاق شرط انکارناپذیر آن است، اما نه شرط کافی. محتوای تفکر و جهت‌گیری اندیشه نیز در آن نقش اساسی دارد. در میان سه جهت‌گیری عمده متافیزیکی، معرفت‌شناختی و وجودی‌نگر که در تاریخ فلسفه قابل رصدند، در فلسفه برای کودکان بر عنصر سوم می‌توان تأکید کرد. سوق دادن تفکر نقادانه به سمت سؤال‌هایی که فراتر از مسئله، رازگونه‌اند و عطف تأمل فلسفی کودکان به رازها و نیازهای وجودی، می‌تواند تجربه‌های فلسفی آن‌ها را بارور سازد. عنصر خودشناسی و نسبت آن با گرایش به تفکر فلسفی، از مباحث بسیار مهم در فلسفه برای کودکان است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۴: ۸).

آسیب شناسی آموزش فلسفه در مدارس ایران از حیث آموزش

آموزش مسئله‌ای بنیادی در فلسفه بوده است که از آغاز تا امروز نظر بسیاری از فلاسفه را به خود جلب کرده است. همچنین یکی از مهمترین ارکان هر جامعه‌ای بخش آموزش است که باید بیشترین حساسیت و دقت را در آن داشت، به واقع زیربنای کشور و آینده‌ی آن بدست نوجوانانی است که امروز آموزش می‌بینند و فردا سکان جامعه را دست خواهند گرفت.

تمام کودکان باید برای رفع نیازهای جامعه‌ها، سواد خود آماده باشند و این آمادگی باید به صورتی مفید و در سنین پایین فراهم آید. ضمناً باید بر تجربه کردن و دسترسی داشتن به امکانات و کمک‌های لازم تأکید شود تا آنها بتوانند در این زمینه، افرادی مفید باشند. (فرشاد نوروزی)

محتوای درسی فلسفه در سال یازدهم و دوازدهم متوسطه دوم بیشتر حافظه محور و بیان سرگذشت تاریخی و معرفی موضوعات مهم فلسفه با سرگذشت تاریخی آن است و صرفاً برای آشنایی اولیه است.

همین محتوا مربی را از هدف اصلی آموزش فلسفه دور می کند. آن آموزش فلسفه که به تعالی اندیشه دانش آموزان بینجامد اغلب اجرا نمی شود. دانش آموزان هم به دلیل امتحان نهایی و کنکور پیش رو بیشتر به جنبه حفظی آن توجه می کنند و ساعت های باقی مانده این درس صرف تستی کار کردن دروس می شود و مربی کمتر به بیان اهمیت تفکر فلسفی و راهکارهای فلسفی اندیشیدن می پردازد.

چیزی که ما از آموزش فلسفه در مدارس ایران میبینیم نه آموزش فلسفه به عنوان ابزاری برای رشد شناختی و مهارتی دانش آموزان بلکه صرفاً محتوای درسی مرتبط با رشته مثل دیگر دروس از جمله تاریخ، جغرافیا و یا عربی است.

هرچند آشنایی با روش های منطقی مقابله با مغالطات در درس منطق سال دهم و برخی موضوعات فلسفه در این درس مثل خداشناسی و یا روش های شناخت و معرفت دانش آموزان را به تفکر در این زمینه ها و به نحوی تفکر فلسفی در این امور و میدارد اما پرورش این مدل سوالات و این نحوه تفکر با مربی و معلم است که اجازه پرواز اندیشه دانش آموز را در جهات مختلف بدهد و سعی نکند که او را در پاسخ مشخصی برای همه سوالاتش قرار دهد پاسخگویی باز و بدون جهت گیری و بدون ارجاع به نظر خاصی این مهارت و تفکر انتقادی و تفکر فلسفی را به دانش آموزان هدیه می دهد. همانطور که حضرت علی می فرماید «ستایشگر معلمی هستم که به من اندیشیدن را بیاموزد نه اندیشه ها را».

در اینجا به اهمیت روش آموزش فلسفه پی میبریم هرچند محتوا آنچه باید باشد نیست و هدف آن هم چندان با هدف آموزش فلسفه همخوانی ندارد اما به لطف نظرات گوناگون موجود در فلسفه و موضوعات اساسی و بنیادین آن راهی برای تقویت این نوع تفکر وجود دارد که آن مستقیماً برعهده معلم است و لازم است حتماً در این زمینه آموزش هایی برای معلم وجود داشته باشد.

متأسفانه با توجه به اهمیت روش آموزش فلسفه و اهمیت معلم این درس آموزشی برای روش تدریس و آموزش آن به صورت تخصصی حتی در دانشگاه فرهنگیان که مکان تربیت دانشجویان معلم است صورت نمی گیرد و آموزش های ضمن خدمت این درس نیز بیشتر بر روش هایی تکیه دارند که رصد نمرات نهایی و کنکور دانش آموزان را بالا ببرد.

مهم ترین امری که در این زمینه فراموش شده است نقش اساسی و مهم آموزش فلسفه در رشد و تربیت دانش آموزان است که در عمل اغلب با حفظ کردن مطالب از سمت دانش آموز تدریس به اتمام می رسد.

روش های تدریسی که می تواند برای نتیجه بخشی حداقلی با این شرایط انجام شود روش بحث گروهی، روش چالشی و مسئله محور است. روش بحث گروهی گفتگویی است سنجیده و منظم درباره موضوعی خاص که مورد علاقه مشترک شرکت کنندگان در بحث است. این روش برای کلاسهایی قابل اجراست که جمعیتی بین 6 تا 20 نفر داشته باشند. روش بحث گروهی، روشی است که به شاگردان فرصت می دهد تا نظرها، عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند و اندیشه های خود را با دلایل هستند بیان کنند.

در روش چالشی و مسئله محور معلم با بیان یک موضوع (پرسش) یا مسئله در آغاز کلاس در میان دانش آموزان مطرح می کند و از آنها می خواهد که با داشته های پیشین خود درباره ی آن ابراز عقیده نمایند و در نهایت معلم با توجه و استفاده از نظرات شاگردان به بیان پاسخ و درس مربوط به آن پرسش می پردازد.

آسیب شناسی از حیث محتوا

محتوایی که به عنوان آموزش فلسفه در مقطع متوسطه داریم در سال دهم و سال ابتدایی این مقطع درس منطق است که دانش آموزان را با کلمات و اصطلاحات منطقی و فلسفی آشنا می کند؛ لزوم این آشنایی در سال های بعد برای آموختن نظرات و مسائل فلسفی که از این اصطلاحات در آنها استفاده شده است آشکار می شود و همچنین تمرین محور بودن این درس نقطه قوت آن است. دانش آموز فرا می گیرد که تقویت تفکر باید با تمرین باشد. خوشبختانه چندسالی است که مغالطات به طور ویژه در این کتاب بررسی می شود. آشنایی با مغالطات و تمرین برای دچار نشدن به آنها در رشد مهارت های فکری به دانش آموان کمک زیادی می کند و اینکه به دلیل عینی بودن و کاربرد آنها در زندگی روزمره دانش آموزان را به این مباحث علاقه مند می کند. آموختن مغالطه مانند آموختن سم ها است که می شود از طریق آن انسانها را نجات داد و یا مسموم نشد.

در سال یازدهم محتوای درس فلسفه در بخش اول به شناخت فلسفه می پردازد با موضوعاتی مثل انسان و تفکر، دانش فلسفه، واژه فلسفه و ویژگی های آن، آموزش شاخه های آن و بخش های اصلی دانش فلسفه، فواید تفکر فلسفی. در بخش بعدی به آغاز تاریخی فلسفه می پردازد از فلسفه در یونان و سوفیست ها و سرگذشت سقراط و محاکمه او آغاز می شود.

در فصل بعدی به بحث معرفت و شناخت و ابزارهای شناخت می پردازد و بعد از آن به تاریخچه معرفت و سرگذشت آن و نظرات فیلسوفان یونان اسلام و اروپا را بررسی می کند.

در بخش انتهایی کتاب به مسئله انسان می پردازد مثل چیستی انسان و حقیقت آن از دیدگاه فلسفه اسلامی.

در فلسفه دوازدهم

در بخش اول درباره هستی و چیستی، جهان ممکنات، جهان علی و معلولی صحبت میکند .

در بخش دوم پیرامون عقل و خدا صحبت می کند و در تمام مباحث ابتدا نظرات فلاسفه یونان و بعد فلسفه اروپا و نظرات فلاسفه عقل گرا و تجربه گرا و بعد از آن نظرات فلاسفه مسلمان در خصوص موضوعات می پردازد و از هر کدام نظرات فلاسفه شاخص آن مورد بررسی قرار می گیرد.

در بخش آخر سیر تاریخی فلسفه در جهان اسلام از آغاز، دوره میانی و دوره متاخر و حکمت معاصر را مورد بررسی قرار می دهد.

همانطور که مشاهده می شود اکثر محتوا حالت تاریخی و حفظی دارد البته که موضوعات مهم و پرورش دهنده هم هست اما پرداختن به آن لازمه اش اول همراهی دانش آموزان و در وهله دوم روش تدریس معلم دارد.

آسیب شناسی از حیث اصول و اهداف

در اهداف این درس بیان شده است که هدف اصلی آن تقویت تفکر فلسفی و توانایی شما در حل مسائل فلسفی با توجه به نظرات فیلسوفان بزرگ و صاحب نام می باشد و تاکید شده است که درس ها به روش روخوانی تدریس نشوند.

گرچه در عمل در بیشتر دروس چاره ای جز روش روخوانی و نکته محور برای حفظ نظرات نداریم اما بازهم آشنایی دانش آموزان با نظرات متفاوت درباره موضوعات اساسی به روشن تر شدن تفکر و گسترده شدن دید آنها نسبت به مسائل می شود که خود اندکی راهگشاست .

اهمیت روش های گروهی و مسئله محور برای معلمان باید به نحو احسن انجام شود که این کار در پیشبرد هدف کمک خواهد کرد .

درحالت کلی با توجه به اینکه در این سال تحصیلی و پیش از دانشگاه این آشنایی باید صورت بگیرد از نظر محتوایی در سطح بالایی قرار دارد و توجه به فواید تفکر فلسفی و آموزش آن از طریق تفکر انتقادی و مواردی مشابه آن خوب است در

دروس مقطع ابتدایی و متوسطه اول گنجانده شود که دانش آموزان هم فراغ بال بیشتری برای تمرین این مسائل دارند .

کنکور، تست و آموزش فلسفه

اینکه بیان می شود خوب است این اهداف پرورش تفکر شناختی و مهارتی در سنین پایینتر و در ضمن دروس دیگر در کودکان نهادینه شود به این دلیل است که در این مقطع حساس دانش آموز بدنبال رسیدن به اهدافش از راه درس است و می خواهد که دانشگاه خوب و رشته مورد علاقه اش قبول شود و کمتر بدنبال رشد تفکر شناختی و مهارتی خود است ضمن اینکه این اشتباه است اما چون راه نهایی برای آنان است لذا حفظ کردن مطالب و توانایی تست زنی از اهداف درس مبنی بر رشد تفکر و مهارت نقادی عملاً فراموش می شود.

علاوه بر اینها در بعضی مدارس خصوصاً مدارس خاص اگر هم معلم بخواهد با دانش آموزان با روش کاربردی و عملی کار کند از سوی دانش آموزان، خانواده هایشان و حتی از سوی کادر مدرسه مورد بازخواست قرار می گیرد زیرا هدف مدرسه و هدف دانش آموز خلاف هدف کتاب است و ترجیح میدهند تدریس صرفاً متن محور، نکته محور و تست محور باشد و نه آنکه معلم وقت دانش آموزان را با روش هایی چون بحث گروهی و مسئله محور بگیرد.

با توجه به مسائل یادشده و تاثیر کنکور بر تغییر اهداف دانش آموز و معلم بازهم معلم با زیرکی تمام هرچند اندک می تواند حس پرسشگری دانش آموزان را برانگیزاند زیرا این روحیه و این کنجکاوی در ذهن و ناخودآگاه دانش آموزان موجود است و تلنگر معلم می تواند آنها را به تحقیق و جستجو و پرسشگری نزدیک کند. این مهم لازمه اش پی بردن معلم به اهمیت پرورش این تفکر در کودکان و مطالعه زیاد و مهارت او در این زمینه است.

هرچند که در پیشبرد اینگونه اهداف تربیتی خصوصاً در سنی مانند نوجوانی مخاطب معلم ممکن است همه دانش آموزان نباشند اما بازهم توجه به آن حیاتی است. لازمه همراهی دانش آموز که دانش آموز این است که او خواهان ورود به فطرت ثانی و ورود به دریای معرفت و تجربه سختی های رسیدن به این نوع تفکر

باشند و نه فقط دانش آموز مقطع متوسطه بلکه انسان به طور کلی کمتر به این درجه می‌رسند.

و اینکه بیدار کردن حس پرسشگری در دانش آموزان برعهده معلم است اما پر و بال دادن به آن بستگی به دانش آموز و علاقه و همت وی دارد.

نتیجه گیری

با توجه به مواردی از نقص در محتوا و نبودن دوره های روش تدریس فلسفه برای معلمان و مسئله کنکور بازهم تحقق هدف آموزش فلسفه منوط به همکاری معلم دانش آموز و سیاست های آموزشی کشور اس و اینها پایه ها آن هستند. بدون همکاری آنها در تمام مراحل رسیدن به هدف سخت و در بعضی موارد غیر ممکن است.

اگر دانش آموز روحیه و علاقه در این مسئله داشته باشد و معلم هم در این زمینه توانایی داشته باشد اما سیاست آموزشی آنها را به حفظ کردن مطالب و تغییر هدف بکشاند عملاً موفقیتی صورت نخواهد گرفت. بنابراین توجه به این امر در سطح بزرگتر هم ضروری است.

همچنین آموزش فلسفه در سنین پایینتر که دانش آموز دغدغه کنکور ندارد و ذهنش باز تر و آماده تر است نتیجه اثربخش تری خواهد داشت.

منابع

- 1-اسدی، مرضیه، *آسیب شناسی برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان با تأکید بر اجرای آن در آموزش و پرورش ایران*، دانشگاه شهید چمران اهواز ، 1390
- 2-اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۲). *ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی*. ترجمه محمدرضا بهرنگی. کمال تربیت، تهران.
- 3-شریفی اسدی، محمدعلی (۱۳۸۸). «نگاهی به آموزش فلسفه برای کودکان در ایران و چالش‌های فرا روی آموزش فلسفه برای کودکان». فصلنامه معارف عقلی. شماره ۱۰
- 4-لیپمن، متیو (۱۳۸۸). «فلسفه برای کودکان و نوجوانان، رویکردی جدید در فلسفه تعلیم و تربیت». ترجمه سعید ناجی. فصلنامه فرهنگ. شماره ۱.
- 5-فرامرزی قراملکی، احد و امی، زهرا (۱۳۸۴). «مقایسه سبک‌های لیپمن و برنی فیر». فصلنامه اندیشه نوین دینی. شماره ۲